



## LIDA Stories

[lidastories.net](http://lidastories.net)

اهداف و مقاصد برای یک ملت و هدف  
استعدادی و مقاومت برای یک ملت

درس

LIDA Portugal

☑ Sunniva Høiby-Øiset

☞ Sam Saf



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

اهداف و مقاصد

اهداف و مقاصد برای یک ملت و هدف  
استعدادی و مقاومت برای یک ملت

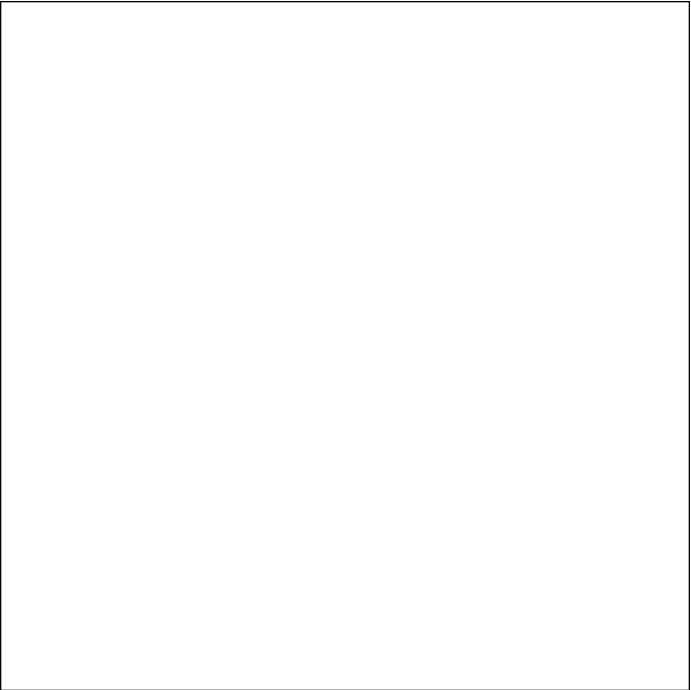
LIDA Portugal

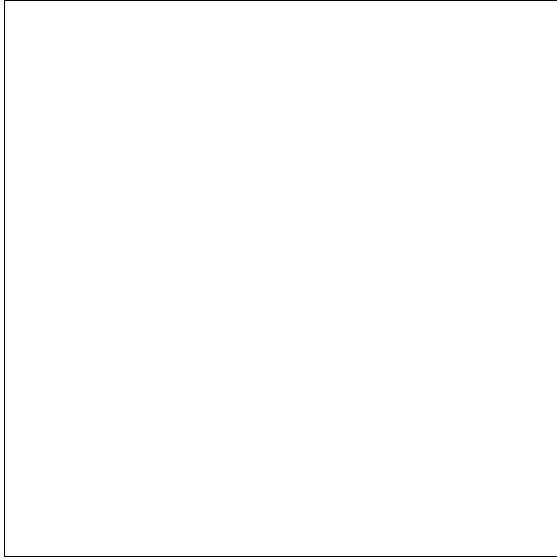
☑ Sunniva Høiby-Øiset

☞ Sam Saf

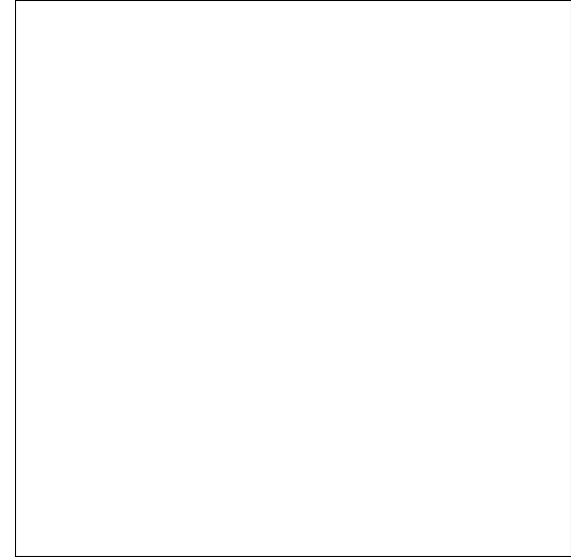
4

فارسی Fa



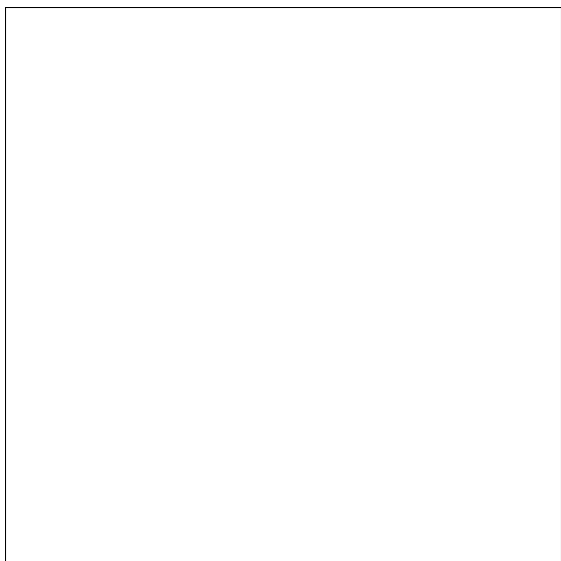


اِدسون درست پس از استقلال کشورش، در آنگولا متولد شد. اون پسر خیلی قد بلندی بود. اون بخطر قدش خیلی تو چشم بود. کمانی که به بچه ها اسلحه می دادند به عنوان سرباز در جنگ داخلی بجنگند، دنبال پسرهایی مثل اون بودن.

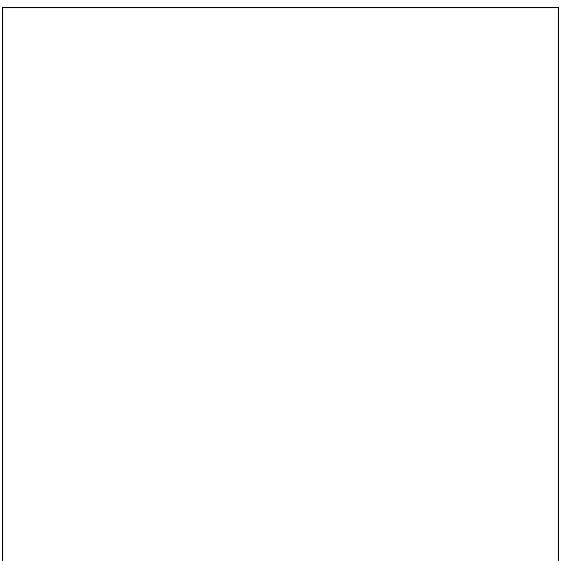


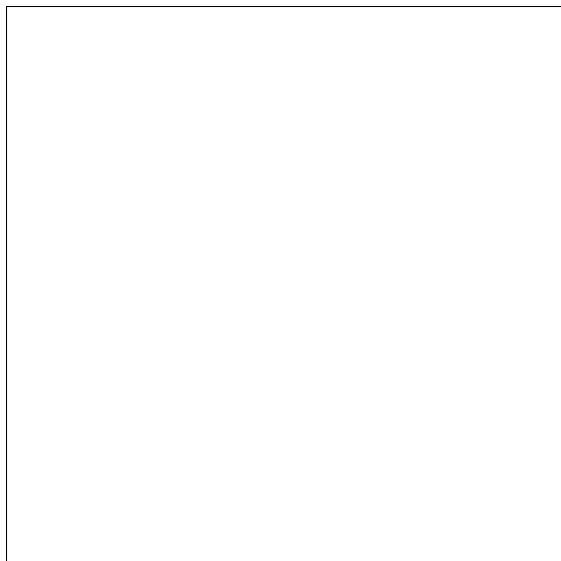
حالا که اِدسون یک فرد بزرگ است، به بچه های پدیده و مدیرینی که در معرض خطر طرد شدن از جامعه هستند، آموزش می ده. زهنی قدش، اون رو در خطر سرباز بچه بدل بودن قرار داد. حالا، قد اون بهش این قدرت داده به دیگران کمک کنه احساس امنیت کنند.

یک روز یکی از معلم‌ها متوجه شد که او آن چقدر در بسکتبال  
موفق بود. جوانه تیم بسکتبال بیست و جلی موفق بود.  
اون در مدرسه محبوب شد و دوستی پیدا کرد. اون  
همچنین، اعتقاد به نفس پشیمانی پیدا کرد.

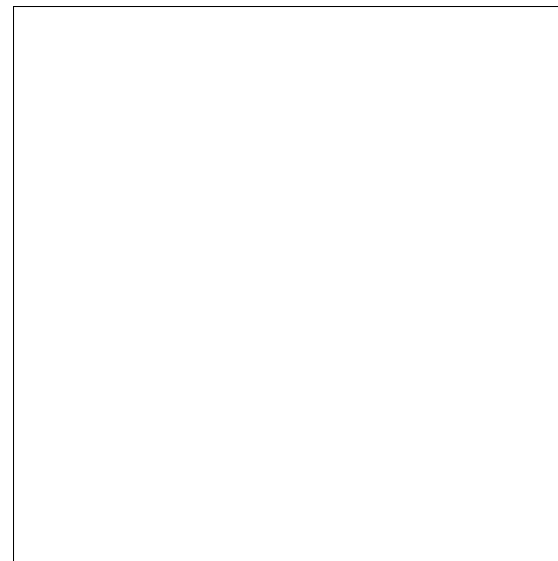


درش می‌توانید که او را و بنزن و پس تصمیم گرفت  
اون رو برای زندگی آماده‌اش، به پرتقال بفرستد. اون فکر  
می‌کرد که او او را منت می‌خواهد داشت.





اولش خیلی سخت بود، چون اِدسون دلتنگ هوای گرم،  
غذای سنتی و مهمتر از همه، آغوش و بوسه هی هدرش  
بود.



اون زدن پرتغلی رو خوب صحبت نمی کرد و پیگیری کلاس  
هش و مکالمه همکلاسی هش برایش خیلی سخت بود. اون به  
این فکر میکرد که آید همه اینها، اومدن به پرتغال ایده خوبی  
بود؟